

مصوبه دستمزدهای ۱۴۰۳ : «از هیچ بهتر است»!

مصطفی اسدیپور

مصوبه دستمزدهای سال ۱۴۰۳ معیشت کارگران را در مقابل نیازهای حیاتی و پایه زندگی بلامتکلیف رها کرد. افزایش پرطمطراق ۳۵ درصدی و همچنین افزایش دریافتی کارگران به رقم ده میلیون تومان در مقابل سطح واقعی قدرت خرید، هرگز فرصت پیدا نکرد از مرز یک شارلاتان بازی رسوا فراتر برود. رقم های رسمی حکایت از خط فقر معادل ۳۰ تا ۴۰ میلیون تومان دارند و رقم مصوبه هرگز قصد پوشاندن حداقل مخارج سفره و آسایش و تندرستی خانواده کارگری را نداشت. علیرضا محبوب، دبیر کل خانه کارگر نمیتوانست از معرکه عقب بماند. از تصویر ایشان از مصوبه دستمزد و آنچه گیر کارگر آمده، نباید غافل ماند: «از هیچ بهتر است»!

«اگرچه هر اقدامی در افزایش بن کارگری ولو ناچیز، حتی ۳۰۰ هزار تومانی که اکنون مقرر شده، بهتر از هیچ است... خود این ۱۳٪ افزایش از ۲۲ به ۲۳٪ ارزش فراوانی دارد. هرچند نظر کارگران را تامین نمی کند و فاصله ها را پر نمی کند. اما من درود می فرستم به همت و غیرت همه آنهایی که خیرخواهی کارگران را کردند.» «مستولان اقتصادی دولت متوجه نیستند»، سایت خبری رکنا، کد ۹۸۲۷۱۶

محبوب حرف دهان خود را میفهمد: «هیچ» گویای تداوم جهنم در فقر و تباهی در اندر دشت حاکم بر زندگی قریب سی میلیون انسان زحمتکش است، و «بهتر» چیزی جز سوختن و ساختن در بر ندارد. خودشان را مستخره کرده اند، مدال های «وزیر» و «شورای عالی دستمزد» و «هائیدگی کارگران» را به خود آویزان کرده، چانه میزنند تا تداوم خط فقر را تضمین کنند. او طلبکار است، گلایه دارد، منت میگذارد، و خواستار قدر شناسی از موجب بگیران خانه کارگر در شورای عالی کار است. محبوب و خانه کارگرش در پایان دو ماه تبلیغ و معرکه و بازار گرمی رو به جامعه کارگری اعلام میکنند وضعیت نمیتوانست کمافی السابق روی پاشنه «هیچ» بچرخد، وعده ها و درصدها و حرفهای مفت را فراموش کنید، به «افزایش بن ها ولو ناچیز» ... دل خوش کنید و درود بفرستید!

جنبش کارگری در ایران و جنبش دستمزدهای کارگری در ایران باید سازمان یک مبارزه سراسری را بطور جدی در مقابل خود قرار دهد. الگو و باید های خود را معین و تعقیب کند. شبکه مجامع عمومی باید در مرکز سیاست گذاری و کنترل آن قرار بگیرند. سناریو دستمزدهای دولتی فعلی در پایان هر سال باید بر اساس شرایط مورد قبول کارگران چکش کاری شود. در اولین گامها در این مسیر، خانه کارگر با همه کرنش و سازش و خوشرقصی های آن در مقابل سرمایه رفتنی است. موجودیت و عرض اندامهای خانه کارگر بسیار بیشتر از آنکه حاصل اعتبار و نفوذ و بقول محبوب حاصل «آبروی فعالان» آن باشد، حاصل بی اعتباری و تحقیر عمومی کارگران است. خانه کارگر بی ارزش تر از آنست که در مسیر مبارزات سراسری دستمزدی کارگران در ایران سنگ اندازی کند.

آن دم و دستگامی که بדרך وزارت کار صولت مرتضوی نخورد، بדרך هیچ کارگری نمیخورد.

-کارگران جهان متحد شوید!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

دست جنبش آزادی زن بر گلوی جمهوری اسلامی!

جنبش زن برای آزادی با بیش از چهاردهم مقاومت زنان و دختران جوان، در خیزش شهریور ۱۴۰۱ از پیله درآمد، بال پروازش را گشود و گلوی آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی را فشرده.

جمهوری اسلامی علیه این جنبش یک بسیج گسترده ی نظامی، امنیتی و پلیسی راه انداخته تا صدای آزادیخواهی و برابری طلبی زنان را بخواباند. آخرین تلاش نظام ضد زن صدور حکم بیش از ۶۰ سال زندان برای یازده فعال جنبش زن در شهرهای شمال ایران است. سال گذشته و همزمان با سالگرد خیزش شهریور نیز، تعداد گسترده ای از فعالین جنبش زن در رشت، مهاباد، اشنویه، تهران، تبریز و چند شهر دیگر بازداشت و احضار شدند... ص ۲

ویدادهای سیاسی - فواد عبداللهی

- نوروژ امسال و طفل گمشده ی نظام!
- مسکو
- مقام «قطعنامه شورای امنیت»

سفره های توهین به گرسنگان را برچینید!

منظفر محمدی

آیا دین و تبعاتش از جمله محرم و رمضان و افطار... نشان دینداری و سیاست پایه ای جمهوری اسلامی است؟ مطلقا چنین نیست. دین و اسلام درطول تاریخ بشر و در هیچ کجای جهان بدون شمشیر و تفنگ و کشتار و جنایت و توحش و تجاوز نتوانسته است حیات داشته باشد. داعش و طالبان و جمهوری اسلامی و نیابتی هایش نمونه های امروز این ایدئولوژی پوسیده و نکبت بار است. اما این ها فقط جنبش های اسلامی جنایتکار تحمیل شده به بخشی از بشریت امروز است. نه انتخاب توده های طبقات زحمتکشی که پیشرفت های زندگی انسان و رفاه و آزادی را تجربه کرده و می کنند.

جمهوری اسلامی می داند و افکار عمومی جهان متمدن هم بویژه بعد از خیزش های پی در پی و جنبش آزادی زن در شهریور ۱۴۰۱ آگاه است که جامعه ایران جامعه ای مذهبی نیست. پایه های ایدئولوژی اسلامی مدت ها است فرو ریخته است. مردم ایران خواستار رفاه و آزادی و خوشبختی اند. سبک زندگی مردم همانی است که با آن زندگی می کنند و گوشه ای از آن همین روز و شب ها و در جشن های استقبال از سال نو در مقابل چشمان جهانیان به نمایش گذاشته شد.

دین و گرسنگی دو ابزار جمهوری اسلامی برای بزانو در آوردن مردم است. برای تحقیر و به استیصال کشاندن جامعه است.

جمهوری اسلامی سفره ی گدایی در استادیوم ورزشی و خیابان های تهران پهن کرده است تا گرسنگان را به حقارت بکشاند و به حرمت شان اهانت کند. ... صفحه ۳

آزادی برابری حکومت کارگری

جنگ و جدال نظام سرمایه و دین با جنبش آزادی زن، همه ی عرصه های کار و زندگی، از بسیج حوزه های دینی و مساجد و صدا و سیما تبهکار تا خیابان و منازل و حمل و نقل عمومی و شخصی و تا زندان ها را در بر می گیرد. بنا به گزارش سازمان های حقوق بشری تنها در سال ۲۰۲۳ میلادی، دستکم ۲۲ زن در زندان های جمهوری اسلامی اعدام، ۳۲۵ فعال زن بازداشت و ۱۴۷ نفر دیگر به حبس، شلاق و ... محکوم شده اند. در این گزارش آمده است که ۱۳۹ تن از فعالان زن در مجموع به بیش از ۵۵۳ سال حبس و ۱۰ نفر از آنها هم جمعاً به ۵۵۷ ضربه شلاق محکوم شده اند. تبعیض جنسیتی در ایران جمهوری اسلامی را در میان کشورهای جهان در کنار طالبان و عربستان و... قرار داده است.

اما این جنایات جمهوری اسلامی را نجات ندهد. جنبش حق زن، جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه در ایران با این تعرضات عقب نمی نشیند. دست جنبش حق زن بر گردن جمهوری اسلامی تا سرنگونی آن ماندگار است. جنبشی که در این چند سال با پرچم آزادی زن و آزادی و عدالت اجتماعی، همراه با جنبش کارگری نور امیدی را در دل دهها میلیون انسان شعله ور کرد و ارتجاع حاکم را عمیقاً نگران و وحشت زده کرده است. تلاش چند دهه جمهوری اسلامی برای خفه کردن جنبش حق زن، برای تحمیل آپارتاید جنسی و برای بالا بردن استثمار و بردگی طبقه کارگر با اتکا به بی حقوقی زنان، مزد پایین آنها در مراکز کاری و کار بی مزد خانگی همراه با فضای عقب مانده و مردسالارانه و مذهبی، تحقیر و بی حرمتی به زنان، امروز در سراسر ایران با جنبشی انسانی، مترقی، ضد مذهبی، ماکزیمالیستی و عظیم که زنان و دختران جوان در صف مقدم آنند، جواب میگیرد. این جنبش سر باز ایستادن ندارد، سر تسلیم و کوتاه آمدن ندارد، این جنبش به عقب بر نمیگردد و تا سرنگونی این نظام، در حرکت است.

جنبش آزادی زن در خیزش شهریور ماه با شعار «کل نظام نشانه است»، نشان داد که لغو حجاب اجباری تنها اولین گام در مسیر آزادی بی قید و شرط و برابری کامل زن و مرد، در همه ی عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. این جنبش تا کنون، ایدئولوژی اسلامی بعنوان یکی از ارکان و پایه های نظام تبهکار ضد زن و ضد بشر را فروریخته و جامعه را برای رهایی از ایدئولوژی مذهبی و نگاه جنسیتی به زن، آگاه، بسیج و به درجه ای آزاد کرده است. امروز عملاً نه تنها قوانین «مقدس» مذهبی و ضد زن در کوچه و خیابانها، در مراکز کاری و تحصیلی و در خانواده و مناسبات اجتماعی، زیر پا له میشود، که زنان و مردم آزادیخواه سنت و فرهنگ پیشرو و انسانی را جایگزین آن میکنند.

جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در ایران و در جنبش حق زن، با پرچم آزادی کامل زن و مرد، با خواست جامعه ای آزاد، برابر و مرفه، میروود که به عمر ننگین جمهوری اسلامی پایان دهد. این جنبش به وسعت ایران در همه جا در تلاش است نیروی خود را جمع کند، متحد کند و سازمان دهد و قدرت و توان خود را برای پایان بردگی، پایان زن ستیزی، پایان استبداد و آپارتاید جنسی بالا ببرد. تلاشهای جمهوری اسلامی، خانه گردی و دستگیری و احکام ظالمانه علیه فعالین زن، پر کردن زندانها از زنان مبارز و حق طلب، از فعالین کارگری و معلم و دانشجوی پیشرو و برابری طلب، نمیتواند سیر رو به پیش این جنبش را سد کند.

جنبش آزادی زن هم اکنون صاحب جمعیت بیشمار زنان و دختران جوان است و صدها فعال خود را در زندان های جمهوری اسلامی دارد. صدای زنان حتی در اسارتگاه های جمهوری اسلامی پایه های پوسیده ی نظام را می لرزاند. این جنبش میتواند اسرای خود را آزاد کند، میتواند ترس و وحشت را در دل حاکمان برای همیشه بکارد و اسلحه سرکوب و زندان را بیش از پیش بی خاصیت کند.

حزب حکمتیست- خط رسمی، ضمن اعلام نفرت عمیق خود از سرکوب افسار گسیخته زنان و آزادیخواهان، آزادی فوری فعالین حقوق زن و کلیه اسرای در بند را می خواهد. نباید اجازه داد هر روز در گوشه ای عزیزان ما را به بهانه های واهی و پرونده سازی های کذایی دستگیر و زندانی کنند. باید علیه احکام زندان به فعالین زن در شمال و در هر گوشه از ایران اعتراض کرد و خواست آزادی آنها و آزادی همه زندانیان سیاسی به بخشی از مطالبات همیشگی تجمعات و اعتراضات ما تبدیل شود.

حزب حکمتیست(خط رسمی)

۹ فروردین ۱۴۰۳- ۲۸ مارس ۲۰۲۴

در مورد عملیات تروریستی در مسکو

بنا به گزارش خبرگزاری رسمی روسیه بعد از ظهر روز جمعه، ۲۲ مارس ۲۰۲۴، حمله ای تروریستی و خونین در سالن کنسرت «کروکوس سیتی هال» در حومه شهر مسکو رخ داد. طبق آخرین اخبار تا کنون بیش از ۱۳۳ نفر، منجمله ۵ کودک، جان خود را از دست داده و تعداد بسیار بیشتری مجروح شده اند. طبق گزارشها حداقل چهار نفر مسلح به سلاح های خودکار به سوی بیش از شش هزار نفر مردم بیگناه، که برای کنسرت به این سالن رفته بودند، تیراندازی کردند. همزمان انفجارهایی در ساختمان رخ داد که منجر به آتش سوزی و تخریب طبقات بالای ساختمان شده است.

به گفته دولت روسیه تا کنون ۱۱ نفر در حین فرار و در مرز اوکراین، از جمله افرادی که در این عملیات مستقیماً نقش داشتند، به اتهام شرکت در این حمله تروریستی دستگیر شده اند.

تا کنون داعش مسئولیت این عملیات را به عهده گرفته است، ادعایی که تا این لحظه رسماً از جانب دولت روسیه تأیید نشده است. مقامات روسیه تا کنون انگشت اتهام را به سوی دولت اوکراین نشانه گرفته اند.

مستقل از اینکه این عملیات تروریستی، کار کدام نیرو، جریان و دولت جنایتکاری است، مستقل از اهداف تروریستهایی که دست به چنین حمله خونینی زده اند، مردم بیگناه قربانی چنین عملیات هایی هستند.

این عملیات تروریستی و خونین در فضای ملتبه جهان، بر متن فضای میلیتاریستی در جهان و تبلیغات جنگی دول غربی، بر متن جنگ در اوکراین، اقدامی تحریک کننده و خطرناک است که میتواند عواقب و تأثیرات مخربی را به دنبال داشته باشد. چنین اعمال تروریستی میتواند نا امنی، جنگ و ترور و جنایت را در ابعاد وسیعتری در سرتاسر جهان گسترش دهد. نا امنی، میلیتاریسم، جنگ و تروریسمی که باز مردم بیگناه قربانیان آن خواهند بود.

حزب حکمتیست (خط رسمی) این عملیات تروریستی و کشتار مردم بیگناه را به هر بهانه و توجیهی به شدت محکوم میکند. دست تروریسم را باید از زندگی مردم کوتاه کرد.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۳ مارس ۲۰۲۴

کارگران کمونیست!

حزب ما،
سنگر اتحاد و
تشکل حزبی شما است.

حزب را از آن خود کنید!

ویدادهای سیاسی

- نوروز امسال و طفل گمشده ی نظام!
- مسکو
- مقام «قطعنامه شورای امنیت»

فواد عبداللہی

نوروز امسال در شرایط کاملا ویژه ای برگزار شد؛ از یک سو، مصادف بود با «رمضان»، «ماه میهمانی خدا» و «روزه داری» که به زور قوانین اسلامی بر هشتاد میلیون ایرانی «واجب» شده است. از سوی دیگر، میلیونها شهروند در اقصی نقاط ایران به اشکال متفاوت به جشن و پایکوبی پرداختند و بار دیگر تو دهنی محکمی به قوانین و امر و نهی حاکمیت زدند. مردمی که پس از خیزش سراسری شهریور ۱۴۰۱ و با عدم شرکت در بالماسکه انتخابات امسال، دیگر تره برای مقررات و ترتیبات اسلامی حاکمیت خورد نمیکنند و از هر بهانه ای برای ضربه زدن به بنیادهای فکری و سیاسی این نظام استفاده میکنند، دوباره در ابعاد سراسری جمهوری اسلامی را مجبور کردند که «رمضان» و قوانین منحوس اسلامی را در پیشگاه رقص و شادی و «بی حجابی» در سال نو، قربانی کند. علیرغم تمام امکاناتی که جمهوری اسلامی در مراکز شهرها برای «آشتی» با مردم «خرج» کرده بود، علیرغم اینکه رسماً اعلام کردند «روزه خواری» پشت پرده رستورانها مجاز و مشروع است و علیرغم جمع کردن گله ماموران امر به معروف و نیروی انتظامی و «برادران سپاهی و بسیجی» برای «ارشاد» مردم و

موعظه پیرامون «تأثیر منفی موسیقی» در «ماه میهمانی خدا» و غیبت اسلام گم شده ی نظام، نیروی سرکوب حاکمیت در لاک خود خزید و عملاً کنترل شهرها و مراکز تفریحی را از دست داد و بالای حاکمیت با هراس و نگرانی تمام نظاره گر موج «روزه خواری» و «بی حجابی» مردم در کارنوال سال نو بود. مردم روی نعش بی جان نظام اسلامی رقصیدند، فضای خفقان را بیشتر پس زدند، مذهب و حجاب و آپارتاید جنسی را دوباره لگدمال کردند. زن و مرد، دست در دست هم و شانه به شانه هم حلقه همبستگی برای دنیایی نو را بزرگ تر کردند. در نوروز امسال حاکی از این واقعیت بود که نظام اسلامی در مقابل جامعه ای که فاصله سیاسی با ارکان حاکمیت گرفته و پشت اسلام و اسلامیت رژیم را به زمین زده است، کاملاً سپر انداخته است. چرا که مسائل و مشغله های مردم ایران با سرعت باد عوض شده است؛ این مردم از جمهوری اسلامی فرسنگها عبور کرده اند. دورانی بود که حکومت مراقب بود که مردم حتی در میهمانی های خانگی شان نرقصند و ننوشند؛ امروز برخورد با این «انبوه مردم شاد» ممکن نیست؛ شادی سراسری و نوروزی مردم ایران به بهانه «ماه میهمانی خدا» و قوانین اسلامی نه تنها متوقف نشد بلکه خروشید و بار دیگر تمام مظاهر نظام اسلامی زیر پای مردم لگدکوب شد. سیاست «ارشاد مردم» جای خود را به هزیمت بیشتر در برابر مردم داد و زنگوله دیگری از شکست سیاسی و فکری حاکمیت به گردن تک تک سران این نظام آویزان شد.

در این میان، حال و هوای ناسیونالیست ها دیدنی بود. ناسیونالیست های آریایی و قوم پرستان کرد در اپوزیسیون از هول حلیم تو دیگ افتادند و غش کردند. اگر شکاف بین مردم با حاکمیت در نوروز امسال ژرف تر شد، اما کوتاه بینی سیاسی جریان های ناسیونالیست نشان داد که چه فاصله عمیقی با امیال مردم دارند. نهادهای حاکمیت قبل از تحویل سال اعلام کرده بودند که درهای «تخت جمشید» و «حافظیه» را باز خواهند گذاشت و استاندار کردستان که پایه گذار «روز لباس کردی» است از یکماه پیش عملاً صاحب لباس کردی شد. جمهوری اسلامی در نوروز امسال بار دیگر نمادهای اصلی ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و قوم پرستان کرد را از دست شان قاپید. ... صفحه بعد

سفره های توهین...

کودکان گرسنه خانواده هایی که به گفته ی یکی از سبیلبریتی های طرفدار جمهوری اسلامی تا کنون پنیپر و شیرینی و کیک نخورده اند. در ایران ثروتمندترین کشور خاورمیانه، در ایران کارتل های نفتی و بنگاه های صاحب ده ها میلیارد دلار وابسته به بیت رهبری و سرمایه داران کاخ نشین سپاهی و آخوندهای لم داده بر گنج بیشمار ملک و مال و پول، پهن کردن سفره ی گدایی برای بیوایان و گرسنگان به نام افطار نه بخاطر دین داری بلکه برای نشان دادن اوج خباثت و تبهکاری نظام جمهوری اسلامی و دهن کجی به مردم است.

افزایش ۳۵ درصدی دستمزد کارگر در شرایط گرانی چند صد در صدی سال های اخیر و تورم آشکار ۵۰ درصدی، بخشی از همین سیاست گرسنه نگه داشتن ده ها میلیون خانوار کارگری است.

تماشای گرسنگان بر سر سفره ی ریا و خیانت، نفرت انگیز است، شرم آور است. باید به روی گرداندن نمایش تبهکارانه ای اهانت به مردم تف انداخت.

آیا جمهوری اسلامی می تواند مردم ایران را همچنان نیازمند و محتاج خیرات و برکات رمضان و شعبان و محرم نگه دارد؟ جواب روشن است. نه ابزار نفرت انگیز دین و ایدئولوژی پوسیده ی مذهب می تواند گرسنگان را بفریبد و نه سیاست سرکوب و کشتار توانسته و می تواند مردم را مرعوب کند. خیزش ها و جنبش های آزادیخواهانه و رفاه طلبانه مدت ها است پرده ی ریا و فریب و سرکوب را دریده اند. طبقه کارگر این غول خفته بیدار شده است. طبقه کارگر بعنوان طلایه دار جنبش آزادی و برابری تنها امید جامعه برای بزانو در آوردن اهریمن سرمایه و سود و دین است.

طبقه کارگر خود را برای نپردی سرنوشت ساز نه فقط بر سر دستمزد چند برابر و پاره کردن زنجیر اسارت قراردادهای موقت و اسارت بردگی مزدی بخور و نمیر، بلکه برای رهایی کل جامعه از نکتب جمهوری اسلامی آماده می کند. کلید سیر شدن شکم گرسنگان بر سر سفره ی گدایی جمهوری اسلامی نیست، در دستان پر قدرت طبقه کارگر است. طبقه کارگر تنها ناجی خود نیست، ناجی کل جامعه است.

اما این ناجی نمی تواند طبقه ای پراکنده، بدون سازمان و بدون همبستگی سراسری باشد. جنبش مجامع عمومی منظم کارگری کلید معمای اتحاد پایدار و سراسری طبقه کارگر است. در غیاب این جنبش و عروج آن، سرمایه داران و سپاهیان و حوزه های دینی انباشت سرمایه و بیت رهبری، باز هم به حیات ننگین خود ادامه خواهند داد.

جنبش مجامع عمومی منظم کارگری جنبش اتحاد پایدار طبقه ای است که

بهر میزان کارگران مراکز بزرگ صنعتی «نفت، پتروشیمی ها، فولاد، خودروسازی ها، بخش خدمات...» به آن دست پیدا کنند، عمر این نظام تبهکار کوتاه تر می شود. جنبش گرسنگان، جنبش آزادی زن، جنبش خلاصی فرهنگی جوانان تا کنون جنبش های اجتماعی مداومی بوده و خواهند بود، اما به ثمر رسیدن این جنبش ها و کم هزینه و کم درد و کم دردسر شدن این جنبش ها باز و باز در دستان طبقه کارگر بعنوان یک طبقه واحد، بهم پیوسته و متحد در جنبش مجامع عمومی کارگری بعنوان پایه ای ترین اتحاد و تشکل کارگری، است.

کارگران، دوستان!

طبقه کارگر، دستمزد چند ده میلیونی کم تر نمی خواهد، بیکاران بیمه ی بیکاری مکفی می خواهند جامعه آزادی بیان و تشکل و تحزب و آزادی اجتماعات و اعتراضات و آزادی اسرای زندانی می خواهد.

جامعه رهایی از دزدی و فساد و سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی و آزادی و رفاه می خواهد. زنان لغو حجاب شرم آور اجباری و برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد می خواهند. صدایی که از گلوئی کودکان دبستانی تا دانشگاه ها و دختران و زنان و جوانان محلات شهرها و بازنشستگان و پرستاران... فریاد زده شده است. نفرت و بیزاریتان را از پهن کردن سفره ی گدایی جمهوری اسلامی با صدای بلند اعلام کنید. از حرمت گرسنگانی که بر سر این سفره های هتک حرمت انسان، جمع می شوند، دفاع کنید؛ ریاکاری و بیخیاپی سرمایه داران با توسل به ابزار ریاکارانه و نفرت انگیز دینداری را افشا و رسوا کنید؛ بخواهید به این نمایش نفرت انگیز دزدی از سفره های خالی مردم، بعنوان خیرات خود به گرسنگان، خاتمه دهند. بخواهید این سفره های بی حرمتی به انسان و انسانیت را برچینند.

کارگران کمونیست، رفقا!

جامعه منتظر عروج کارخانه ها است. بجنییم و بعنوان گام پایه ای، جنبش مجامع عمومی منظم کارگری را در همه ی مراکز بزرگ و کوچک کار بر پا کنیم! قدرت ما در کارخانه است وقتی چرخ ماشین ها را متوقف می کنیم، وقتی مجامع عمومی مان را برپا می سازیم، وقتی بیانیتهای محکم تهدید دشمنانمان را به نام مجمع صادر می کنیم، وقتی دستمزد اعلام شده ی شورای عالی کار را پاره می کنیم و نمایندگان منتخب مجامع مان از مراکز بزرگ صنایع و خدمات را برای تعیین دستمزدهای مکفی انتخاب می کنیم، وقتی اعتصاب سراسری طبقه را برای بزانو در آوردن کارفرماها و دولتشان سازمان می دهیم...

وقتی به دشمنان ریاکار و دزد نان سفره ی مردم گرسنه، اعلام می کنیم سفره های نفرت انگیز افطار و اهانت به حرمت انسان را برچینید!

اما ناسیونالیستهای کوتاه بین و نان به نرخ روز خور از شوق لباس «کوردی» و «تخت جمشید»، خالی شدن زمین زیر پای خود را احساس نکردند.

مسکو

واکنش به حمله تروریستی هفته گذشته به سالن کنسرت مسکو، بار دیگر ریاکاری و «استاندارد دوگانه» دول غربی و رسانه های تبلیغات جنگی آنها را آشکار کرد و نشان داد که لکه سیاه روی وجدان آنها چقدر بزرگ است. ضرب اول همه شان در بوق کردند که «روسیه ممکن است از این کشتار به عنوان بهانه ای برای تشدید تلاش های جنگی علیه اوکراین استفاده کند». لحن و سیاست دول غربی در مقابل عملیات تروریستی در مسکو و قربانی شدن ۱۳۰ انسان بیگناه چندش آور است. واکنش دول و میدیای غربی به ترور بیش از صد نفر مردم بیگناه و اکراه همگی آنان از تروریستی خواندن این کشتار بیش از اینکه چیزی در مورد این عملیات، ابعاد آن، عامل یا آمرین آن بگوید، سقوط آزاد آخرین ارزش های انسانی این نهادها را در غرب به نمایش می گذارد.

مدتهاست در فرهنگ بورژوازی غرب همه چیز نسبی شده است. ارزش انسان بنا به جغرافیایی که در آن متولد شده، بنا به رنگ پوست، نژاد، عقاید (از مذهب تا عقاید سیاسی)، جنسیت و ... سنجیده میشود. کشتار و قتل عام مردم بیگناه، بنا به اینکه قاتل و مقتول چه رابطه ای با بورژوازی غرب و منافع ژئوپولیتیک آن دارد، مجاز یا غیر مجاز، ترور یا دفاع از خود نامگذاری میشود. روسیه از منظر آنها «شیطان» است. «خودی» نیست. مردم روسیه باید بتوان جنگ در اوکراین را با سلاخی شدن در کنسرت ها و تجمعات خود بپردازند. قربانیان عملیات تروریستی در مسکو ظاهراً شایسته احترام و حمایت سیاستمدارانی که به نام مقابله با تروریسم و حمایت از مردم فرانسه راهی پاریس شده و علیه ترور کارمندان مجله «شارلی ابدو» رژه رفتند، نیستند. میدیای رسمی غرب که با بی ملی و زیر فشار افکار عمومی از عملیات تروریستی در مسکو بعنوان ترور نام می برند شوق زده اعلام کردند روسیه متوجه شده است که فقط در یک جبهه در جنگ نیست!

در زمانی نه چندان دور دولت آمریکا و سایر دول غربی از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به خاک آمریکا برای توجیه حمله نظامی به افغانستان و عراق تحت نام «جنگ علیه تروریسم» استفاده کردند. هب افکن های ائتلاف تحت رهبری آمریکا در عراق جمعیت غیرنظامی این کشور را هدف حمله قرار دادند و اسم عملیاتشان را گذاشتند: «شوک و حیرت». پس از ۱۱ سپتامبر دولت آمریکا بمباران فرشی و کشتار مردم بیگناه را به بخشی از جنگ تبدیل کرد و امروز از زبان رسانه هایشان از ترور بعنوان جبهه دیگری از جنگ نام می برند. اکنون در کیس ترور در مسکو، انتظار عجیبی از دول غربی نباید داشت؛ طبیعی است که همه نهادهای دموکراسی غربی زیر یک چتر اعلام کنند که جان مردم در روسیه پیشیزی ارزش ندارد. با شکست دول غربی در جنگ اوکراین، ترور میروید که به مشخصه جنگ در دل اروپا تبدیل شود.

مقام «قطعنامه شورای امنیت»

عصر یکشنبه، بالاخره شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه «آتش بس فوری در غزه» را تصویب کرد. سوال اینست که مقام این قطعنامه چیست؟ چرا دولت آمریکا بر خلاف دفعات قبل از حق وتوی خود استفاده نکرد و به این قطعنامه رای ممتنع داد! این قطعنامه قبل از هر چیز مهر موقعیت سیاسی متزلزل هیئت حاکمه آمریکا در میان سایر رقبا و بویژه موقعیت ضعیف بایدن در داخل خود این کشور را بیان میکند. معضل دولت آمریکا، سلاخی مردم فلسطین نیست و مشغله اش «آتش بس» نیست. روشن است که با ادامه نسل کشی در غزه، نه فقط موقعیت دولت اسرائیل بعنوان دژ آمریکا در خاورمیانه باتلاقی تر میشود که موقعیت دولت بایدن و حزب دمکرات در آستانه انتخابات در این کشور به شدت شکننده میشود. در این مدت، کمتر سخنرانی انتخاباتی سراغ داریم که بایدن با اعتراض یک جنبش عظیم مخالف جنگ و نسل کشی در غزه روبرو نشده باشد. آنچه مانع ادامه نسل کشی دولت اسرائیل در غزه و حمایت کامل دولت آمریکا و سایر دول غربی از این جنایت شده است، فشار سنگین جنبشی مردمی است که در آمریکا و اروپا برای پایان دادن به این حمام خون عروج وارد کرده است. دولت بایدن اکنون حتی عاجز از جلب حمایت طرفداران سنتی حزب دمکرات برای ورود به روند انتخابات و رای دادن به این حزب است. قطعنامه شورای امنیت و اشک همساح ریختن برای «آتش بس فوری در غزه»، البته آتش بس دو هفته ای، قبل از هر چیز انعکاس اعتراضات وسیع مردم جهان علیه دولت اسرائیل و حامیان این دولت پیرامون نسل کشی در غزه است. حامیان مردم فلسطین را باید در میان میلیونها انسان آزادیخواه و متمدنی جستجو کرد که در این مدت با تمام توان و امکانات محدود خود، از هر روزنه ای جهت رساندن صدای اعتراض شان به عاملین و آمرین نسلکشی در غزه، سود برده اند. این آن جنبش جهانی است که میتواند پوزه دولت فاشیست اسرائیل و حامیان جنایتکار آن را به خاک مالد و از کرده خود پشیمان شان کند.

بگذار کارگران سخن بگویند!

مبارزه برای افزایش دستمزدها نمیتواند اعتراض توده های میلیونی نباشد. اعتصاب دستمزدها باید نه فقط کارخانه ها و مراکز تولیدی بلکه باید محلات زحمتکش نشین را به حرکت دربیآورد.

جنبش دستمزدها، اعتراض علیه بهره کشی و استثمار میلیونها صغیر و کبیر از تبار خانواده کارگری را شامل می شود که با ششیره جان خود نان از زیر سنگ در می آورند. حکومت سرمایه هرگز تأمین معیشت کارگر را در قاموس خود نداشته است. معیشت کارگر در گرو شغل، و آن نیز در گرو تسلیم و بردگی و سود حاصله خلاصه میشود. دستمزدهای زیر خط فقر اوج وقاحت سرمایه در ایران است که تأمین ساده ترین نیازهای زندگی کارگر را نه فقط از کارگر بلکه از کل خانواده کارگری، نه فقط از طریق شغل بلکه از طریق اضافه کاری و دوندگی در طول شبانه روز می طلبد.

ببینید که چگونه کار کودکان، انواع کار خانگی، ساعات کار طولانی هنوز به گرد پای فقر و ناداری و حسرت خانواده کارگری نمیرسد! سفره های محقر و یخچال همیشه خالی جوابگوی یک دهان پسر از نان تا چه رسد به تأمین معیشت نیست.

ببینید چگونه صغیر و کبیر خانواده کارگری را مجازات میکنند چرا که کار و فرسودگی میلیونها عضو از این تبار، هنوز برای یک مشت زلوی سرمایه دار به اندازه کافی سود آور نیست! ببینید، جرات میکنند ما را به جان هم بیاندازند! جنبش سراسری دستمزدها پرچم کیفرخواست خانواده کارگری را در محلات کارگری برافراشته میکنند. این جنبش در ابعاد و اشکال گوناگون بسیار فراتر از یک آکسیون است. از شاخص های این جنبش ایجاد همبستگی و اعتماد نفس در یک مبارزه سرسخت و پایدار است. این مبارزه ای برای عدالت، برای آزادی بیان و تشکل، علیه سرکوب و ارتشاء و دزدی است و از جمله میدان حق طلبی زنان در زنجیر کار خانگی و آنهم در کاپوس دستمزدهای زیر خط فقر، زنجیر شدگان دهمه های قالی بافی، جگرگوشگان خردسال اسیر کارگاه های کار کودکان، توده عظیم زنان سرپرست خانواده، بازنشستگان و جمعیت عظیمی از طبقه کارگر که داغ لعنت کار مزدی بر پیشانی دارند؛ است.

جنبش ما و صدای ما همه و همه کارگران در سراسر جامعه را شریک می کند. هیچ کس از اعضای طبقه ما نباید تنها بماند. همه باید خببردار شوند.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دیبرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دیبر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دیبر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

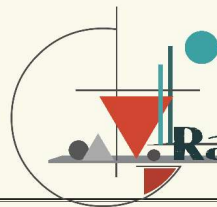
sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دیبر: فواد عبداللهی



صدای آزادی، صدای برابری

Radio

Nina

radioneena.com

نی‌نا

پخش برنامه‌های نی‌نا
از کانال یک

برنامه‌های نی‌نا هر سه شنبه راس ساعت
۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در
شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نی‌نا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نی‌نا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena